



## ارکان چهارگانه هدایت و هوشمندی همه اشیاء

هوشمندی جهان هستی یکی از ارکان چهارگانه هدایت است؛ از آنجا که میان هر شیء و کمال یا غایت آن، نظم علی و معلولی برقرار است، بی‌شک حرکت به سوی آن غایت و کمال، به هدایت نیازمند است و چون تمام موجودات، دارای شعور و فهم هستند، پس هدایت برای تمامی اشیاء ضرورت دارد...

هوشمندی جهان هستی یکی از ارکان چهارگانه هدایت است؛ از آنجا که میان هر شیء و کمال یا غایت آن، نظم علی و معلولی برقرار است، بی‌شک حرکت به سوی آن غایت و کمال، به هدایت نیازمند است و چون تمام موجودات، دارای شعور و فهم هستند، پس هدایت برای تمامی اشیاء ضرورت دارد.

از نظر تکوینی، چیزی در جهان هستی از هدایت الهی بیرون نیست؛ چنان که قرآن کریم گفت و گوی حضرت موسی(علیه‌السلام) با فرعون را این‌گونه ذکر می‌کند که فرعون پرسید: خدای شما کیست؟ حضرت موسی(علیه‌السلام) جواب داد: قال رَبَّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى(1)؛ پروردگار ما کسی است که جهاز تکاملی و ساختار مناسب هر چیزی را به او داد و آن را به مقصد ویژه‌اش هدایت کرد. پس خداوند هر چیزی را به سلاح کمال‌یابی و هدایت درونی مجهز کرده، او را راهنمایی کرده است تا با استفاده از آن، به سوی هدف نهایی خود حرکت کند.

سه رکن دیگر هدایت، نظام‌های داخلی، فاعلی و غایی اشیاء است؛ نظام داخلی یعنی هر چیزی دارای جهاز کمال‌یابی مناسب است و نظام فاعلی آن که بخشنده این آمادگی‌هاست، تنها خداست و نظام غایی‌اش در پیمودن راه مستقیم به سوی مقصود و مقصد نهایی نهفته است.

قرآن کریم سراسر جهان هستی را دارای شعور و هدایت می‌داند؛ و *إِن مِّن شَيْءٍ إِلَّا يَسْتَجِبُ بِحَمْدِهِ* و لکن لا تفقهون تسبیحهم(2) و *رَبَّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى(3)* و *سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى\* الَّذِي خَلَقَ فَسُوِّي\* وَ الَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى(4)* هر چیزی را خدا هدایت می‌کند؛ یعنی آن شیء مهتدی شعور و علم دارد، وگرنه چگونه آیت خدای علیم حکیم می‌تواند باشد؟

پس اگر شرط هدایت پذیری، داشتن شعور باشد، هر چیزی در عالم شعور دارد. چون خداوند تمام عالم را دارای *171#&* هداف و شعور و هدایت *raquo&* می‌داند. از این رو، بسیاری از واژه‌ها که از منظر برخی مجازاً استعمال شده‌اند، از منظر دیگران حقیقت‌اند؛ مثلاً *171#&*؛ *وَ اسْتَلَّ الْقَرِيَةَ(5&raquo)* مجاز به حذف مضاف نیست و اگر کسی از *171#&*؛ *قَرِيَهُ&raquo* نتوانست بپرسد، بر اثر آن است که زبان آن را نمی‌داند و این نقص خود اوست.

پس به شهادت تسبیح سراسر جهان؛ و *إِن مِّن شَيْءٍ إِلَّا يَسْتَجِبُ بِحَمْدِهِ* و لکن لا تفقهون تسبیحهم و نیز به گواهی همراهی این‌ها با برخی از پیامبران در تسبیح

خداوند؛ *إِنَّا سَخَرْنَا الْجِبَالِ مَعَهُ يَسْتَجِبْنَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِشْرَاقِ(6)*، سؤال از اینها حقیقت است، نه مجاز.

بنابراین، تنها مردان الهی نیستند که شب و روز تسبیح‌گویی حقند و داد و ستدهای دنیوی، آنان را از یاد خدا غافل نمی‌کند، بلکه کوه‌ها و بیابان‌ها با حضرت داود(علیه‌السلام) صبحگاهان و شامگاهان، خداوند را تسبیح می‌گفتند.

از این رهگذر معلوم می‌شود که اگر کسی اهل تسبیح باشد، از کاروان در حال حرکت مسبّحان عقب نیفتاده است، نه جلو باشد که سبب غرور شود. چون سالکان هوشیار و اهل تسبیح می‌فهمند که با میلیاردها موجود دیگر در حال حرکت تسبیحی هستند.

1 - سوره طه، آیه 50.

2 - سوره اسراء، آیه 44.

3 - سوره طه، آیه 50.

4 - سوره اعلي، آیات 3 - 1.

5 - سوره يوسف، آیه 82.

6 - سوره ص، آیه 18.

هدایت در قرآن، ص 33-35.